

## رژیم صهیونیستی مقابل حماس: تصمیمی که تصمیم نیست\*

انحنان میلر<sup>۱</sup>

### چکیده

آنچه که در این مقاله به آن پرداخته شده است حفظ نوار غزه در سیطره نظام سیاسی رژیم صهیونیستی و حذف حماس به عنوان عامل تروریستی خطرناک در این منطقه است. بنابراین تعارض دیدگاه میان بدنه سیاسی و نظامی مقامات رژیم صهیونیستی وجود دارد که آیا باید غزه را تحت قیمومیت گرفت و عملیات جداسازی آن را به طور جدی انجام داد و یا آن را جزئی از فلسطین به رسمیت شناخت. همچنین در این نوشتار به شکست نظامی و استراتژیک مقابل حماس اشاره شده است که یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های مقامات ارشد دولت رژیم صهیونیستی است. به سند این نوشتار، حماس یک سازمان تروریستی است که حضورش برای منطقه بسیار خطرناک بوده و بسیاری از تحریکات جامعه فلسطین از جانب این سازمان است که بسیاری از کشورهای عربی و دول اروپایی و ایالات متحده آن را محکوم نموده‌اند.

واژگان کلیدی: نوار غزه، حماس، عملیات لبه تیغ، رژیم صهیونیستی

---

\* ترجمه مقاله 'اسرائیل مול حماس: ההחלטה שלא להחליט'

۱. پژوهشگر موسسه اندیشه منطقه‌ای اسرائیل، متخصص مطالعات عربی و اسلامی

## مقدمه

تتائپاهو همراه با تهدیدات خصمانه در فروپاشی حماس، اقدامات عملی را برای حفظ آرامش و رسیدن به توافقات انجام می‌دهد که توسط نیروهای نظامی توصیه می‌شود. مساله این است که تا چه زمانی موفق به فریب دادن خود خواهند شد؟

باتوجه به نقش عوامل میان نیروهای نظامی و عرصه سیاسی در خصوص غزه این پنهان شدن، آشکار است. اما بعضاً بیانیه و یا مدرکی در مورد شکاف میان رویکرد عملگرا با رویکرد دست‌اندرکاران کابینه تتائپاهو از استقرار دفاعی آشکار می‌شود.

اکتبر ۲۰۱۷ در نشریه "معرخوت" ارتش، مقاله‌ای منتشر شد که طوفانی را نه تنها به سبب محتوا بلکه به واسطه نویسندگانش ایجاد کرد: ژنرال "یوآو" رابط فعالیت‌های رژیم و همچنین سرهنگ "مایکل ملیستین" مشاور امور فلسطینیان.

این مقاله با عنوان "شش بخش یا دو میلیون نفر؟ چگونه عملیات "لبه تیغ" درک رژیم صهیونیستی را راجع به نوار غزه تغییر می‌دهد؟" به بررسی رویارویی رژیم صهیونیستی و حماس در تابستان ۲۰۱۴ که بیش از ۲۱۰۰ فلسطینی و ۷۳ نفر از رژیم صهیونیستی جان خود را از دست دادند، پرداخته است. این جریان همانند آنچه در جنگ جهانی اول رخ داد، هر دو طرف جنگ به نبردی ادامه دادند که ناشی از محاسبات اشتباه و ابهام استراتژیک بود.

"ژنرال یوآو" و "سرهنگ ملیستین" اینگونه نوشتند: از منظر حماس، دلیل این عملیات پنجاه روزه، استخراج دستاوردهای سیاسی رژیم صهیونیستی در زمینه آزادی جنبش‌ها و زیرساخت‌ها در نوار غزه بود.

حماس برای حفظ تسلطش در نوار غزه همچنان مصمم است و با تمام قوا به مبارزه برای تثبیت این موقعیت پرداخته و سعی دارد ناآرامی‌های داخلی را به رژیم صهیونیستی منتقل کند که اگر چنین باشد، ایدئولوژی مذهبی نه تنها عامل حمله حماس به رژیم صهیونیستی می‌شود بلکه الزامات سیاسی را روز به روز بیشتر می‌کند.

در پایان نیز، دو رویکرد که در ارتباط با بحران کنونی غزه در رژیم صهیونیستی مورد بحث است، پرداخته شد. رویکرد اول: کسانی که با ایجاد یک توافق راهبردی با حماس همراه هستند، هدف اصلی آنها آتش‌بس است بدین شکل که رژیم صهیونیستی را در جنوب آرام نگه دارند و تنش را با تشکیلات خودگردان و مصر فراهم کنند و هم زمان به حماس کمک کنند تا حاکمیت سیاسی خود را در نوار غزه استحکام بخشد.

رویگرد دوم به این اشاره می‌کند: کسانی که از افزایش خشونت در نوار غزه حمایت می‌کنند در کنترل مرزها حضور داشته و نظارت مراکز غیرنظامی را در این منطقه برعهده دارند.

نویسندگان اینگونه می‌پندارند که این گزینه می‌تواند جایگزین دولتی برای حماس باشد. با این حال به نظر می‌رسد که آنان در پی جایگزین سومی هستند که در حال حاضر در گفتمان رژیم صهیونیستی پایه‌ریزی شده است و به طور خلاصه به سرنگونی حماس اشاره می‌کند. پیش از این که "اویگدور لیبرمن" در آوریل ۲۰۱۵ به سمت وزیر دفاع برسد قول داد در زمان وزارتش آخرین نبرد علیه حماس انجام خواهد گرفت.

لیبرمن هم چنین اذعان نمود: «حذف حاکمیت حماس نخستین وظیفه رژیم صهیونیستی است و ما نمی‌خواهیم با آنها (اعضای حماس) به درکی مشترک برسیم، تنها توافق با حماس مربوط به زمانی خواهد بود که آنها مدفون و ناپدید شوند».

وزیر آموزش و پرورش که عضو کابینه سیاسی امنیتی دولت *نفتالی بنت* بود، اظهارات مشابهی را اعلام نمود. در "آریل بنت" طی یک سخنرانی در دانشکده پزشکی در خصوص درخواست مبالغی به عنوان دستمزد برای کارمندان در ازای حفظ آرامش مرزها و اخراج مافیای ایتالیایی مقایسه‌ای انجام داد: کسی که در برابر ما مقاومت کند جنگ را برایمان به ارمغان می‌آورد.

رژیم صهیونیستی نباید تسلیم تهدیدات و مقاومت حماس شود. بنت در اوایل سال ۲۰۱۴ طی عملیات "لبه تیغ" اعلام کرد که نابودی حماس در چنگال آنها است اما با این وجود وی گزینه دولتی (گزینه سوم) را به غزه پیشنهاد نکرد.

سخنان دو وزیر مذکور- لیبرمن و بنت- از منظر سیاسی بسیار گران است. با این وجود آنها نشان دادند که تا امروز مساله غزه در افکار عمومی رژیم صهیونیستی رسوخ کرده است. در نوامبر ۲۰۱۸ طی سخنرانی استعفايي، لیبرمن توضیح داد که وی نتوانسته به وعده‌هایش درباره نابودی حماس عمل کند؛ در این رابطه وی انتقادات شدیدی از کمک‌های مالی دولت قطر به حماس اظهار داشت. وی اینگونه می‌گوید: «همه از رویکرد من باخبر بودند وقتی وارد کابینه شدم با این حال انجام هرگونه عملیات خشونت‌آمیزی در غزه امکان‌پذیر بود و روز بعد از آغاز کارم در وزارت از خودم پرسیدم چطور چهل و هشت ساعت گذشته ولی هنوز *اسماعیل هنیه* زنده است».

روز بعد از استعفاي لیبرمن، بنت درخواست کرد تا مجدداً پرونده استعفاي این وزیر اطلاعات را از حیث حضور و باقی ماندنش در کابینه بررسی شود. به این منظور که "رژیم صهیونیستی همیشه موفق است." چندین دهه است که اتاق فکر تشکیل می‌دهیم، برنامه‌ریزی و طراحی می‌کنیم اما از

یک برخورد نزدیک با دشمن اجتناب می‌کنیم. دشمن ما را به مبارزه می‌طلبد و عدم پاسخ از سوی ما را ترس ما تعبیر می‌کند و خطرناک‌ترین مساله برای رژیم صهیونیستی این است که ما فکر می‌کنیم هیچ راه‌حلی برای حرکت‌های تروریستی و موشکی تروریست‌ها وجود ندارد. در حالیکه ما یک ارتش قدرتمند با فرماندهان عالی‌رتبه و مقامات ارشد داریم". با این وجود نقش وزیر اطلاعات در به چالش کشیدن اندیشه به منظور ایجاد نوآوری و تشکیل گزینه‌های خلاقانه و شگفت‌انگیز است. به بیان دیگر وزیر اطلاعات مدیریت یک سیاست را به عهده دارد و نباید رهبری شود. دو روز بعد بنت درخواستش را درباره وزیر اطلاعات پس گرفت و در کابینه باقی ماند.

در مارس ۲۰۱۹ که کمیته انتخابات مشغول بود، بنت اعلام کرد که به نظرش چه کسانی سیاست را در مقابل حماس رهبری خواهند کرد: فرماندهی ارتش رژیم صهیونیستی (IDF)، رزمندگان و فرماندهان. بنت در توییت رسمی خود فرمانده عملیات "لبنه تیغ" - بنی گانتز - که حریف سیاسی وی هم هست را "روای خیس" اعضای حماس و "ژنرال مردد" لقب داد.

حتی در خارج از نظام سیاسی، افرادی بودند که به دلیل عدم توانایی خود در شکست مقابل حماس به ارتش رژیم صهیونیستی حمله کردند. در مقاله‌ای که در سایت محافظه‌کار مید/ منتشر شد؛ "دن شیون" (سرهنگ دوم و فرمانده سابق عملیات پرواز) انتقاد تندی به جلسه مخفیانه‌ای که در میان عملیات لبنه تیغ برگزار شد، ارائه نمود. در این جلسه این مساله بررسی شد که پاکسازی غزه از سلاح‌های تهاجمی پنج سال طول خواهد کشید و هزاران فلسطینی قربانی به غزه باز خواهند گشت و اقتصاد رژیم صهیونیستی به میزان ده میلیارد رشد خواهد نمود.

"آیا ارتش رژیم صهیونیستی آنگونه که وانمود می‌کند حماس را در در نوار غزه نابود می‌کند یا اساساً خواستار این نابودی نیست؟" این سوالی بود که وی در مقاله‌اش مطرح نمود و گزینه دوم را به عنوان پاسخ انتخاب کرد.

"از دهه ۱۹۹۰ ارتش رژیم صهیونیستی خصوصیت‌های یک ارتش پست‌مدرن را به خود گرفت و برای رویارویی با سربازان دشمن، راه‌حل‌های فنی و جنگ‌افزار را ترجیح می‌دهد. این ارتش که تحت تأثیر سازمان‌های اجتماعی قرار می‌گیرد با گفتمان رسانه‌ای، نخبگان اجتماعی خود را سازگار می‌نماید و ارجحیتش مدیریت در درگیری‌ها در باب تصمیماتشان است و همچنین ارتش برای ارائه تصویر پیروزی از پیروزی در فعالیت‌هایش آماده است".

اما برخلاف صحبت‌های "شیون" رویکرد عملگرا به حماس نتیجه فشارهای پست‌مدرن از طریق سازمان‌های مدنی بر این ارتش نیست بلکه این رویکرد از قلب تجهیزات امنیتی برمی‌خیزد.

یورم کهن - رییس سابق شاباک (در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶) - در مصاحبه رادیویی ارتش در ماه می ۲۰۱۸ گفت که این مذاکرات اسلامی، ملاحظات حماس را تحریک نمی‌کند بلکه خواسته حماس "کشوری مانند تمام کشورها و ملتی مانند تمام ملت‌ها" است. همچنین رییس سابق شاباک توصیه نمود به جای نابودی حماس شرایط اقتصادی را در نوار غزه بهبود بخشند.

سخنانی مشابه آنچه گفته شد را چند ماه پس از عملیات "لبه تیغ" در نوامبر ۲۰۱۴ "یوول دیسکین" (رییس اسبق شاباک در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱) در "کیبوتس باری" خطاب به سکنه غزه بیان نمود که: "از نظر اقتصادی نوار غزه باید وضعیت بهتری پیدا کند."

"باید دید که آنها از ابزار جنگ طلبانه استفاده نمی‌کنند، من این طور فکر می‌کنم که اگر ما و جامعه بین‌الملل پروژه‌های اقتصادی را در غزه ایجاد کنیم حماس این شرایط را به جنگ ترجیح خواهد داد."

مثبت‌ترین رویکرد به حماس توسط "ژنرال گیورا ایلند" رییس سابق اداره عملیات ارتش رژیم صهیونیستی و رییس شورای امنیت ملی ارائه شده است.

مطابق سخنان وی "یازده سال است که غزه دولتی مستقل است" و منافعش در کوتاه‌مدت با منافع رژیم صهیونیستی پیوند و شباهت دارد مانند حفظ صلح و رفاه اقتصادی در نوار غزه. وی معتقد است که انتقال کمک‌های مالی از طریق دولت خودگردان فلسطین غیرمنطقی به نظر می‌رسد.

"ایلند" مقاله‌ای در "یدیعوت اخرونوت" در دسامبر ۲۰۱۸ بدین مضمون نوشت: "رژیم صهیونیستی باید کشورهای غربی و عربی را برای سرمایه‌گذاری در بهبودی غزه و مشارکت با دولت حماس تشویق کند نه این که حمایتی نکند. با اجرای طرح‌های قدرتمندی نظیر راه‌اندازی پروژه‌های آب شیرین‌کن در غزه می‌توان حماس را محدودتر نمود.

این ادعایی را که بر اساس آن حماس اظهار اطلاع از کمک‌هایی برای ساخت تونل‌ها به کار می‌گیرد اما مخالفت نموده است: در واقع مذاکرات مدیریت نشده با حماس بوده است که در سال‌های اخیر اتفاق افتاده است و اینکه اجازه انتقال پول و یا تجهیزات را به صورت مستقیم نداده‌اند."

اگر حماس به عنوان یک کشور مستقل شناخته شود و معاهداتی مبنی بر کنترل دقیق ابزار و وسایلی که وارد نوار غزه می‌شود انجام گیرد، حماس بیشتر در زیرساخت‌های غیرنظامی سرمایه‌گذاری خواهد نمود.

از منظر ایلند شکاف سیاسی بین حماس و جنبش فتح یک مساله فلسطینی است که به نظر می‌رسد

در طول زمان راه‌حلی برای آن وجود ندارد که البته این منافع رژیم صهیونیستی را تأمین می‌کند. پویایی مشابه‌ای در حماس بین درجه‌داران نظامی با رتبه‌داران سیاسی یافت می‌شود. "ابو عویدا" سخنگوی نظامی حماس از مبارزات مسلحانه و فعالیت‌های منحصر به فرد در کرانه غربی حمایت می‌کند و این‌ها را تنها گزینه برای مبارزه با رژیم صهیونیستی می‌داند و نیز رهبران ارشد سیاسی مانند "حسن یوسف" و عضو دفتر سیاسی "حسام بدران" به ضرورت طرحی سیاسی که در سند حماس از ۲۰۰۷ بدان اشاره شده است، تأکید می‌نمایند.

عدم تمایل رژیم صهیونیستی به شناخت حماس این مساله را به یاد می‌آورد که شناخت سازمان آزادی‌بخش فلسطین به رهبری "یاسر عرفات" در دهه ۱۹۹۰ انجام پذیرفت. ترکیبی از عوامل در نهایت به تغییر موضع رسمی رژیم صهیونیستی منجر می‌شود و راه را برای موافقت‌نامه‌های اسلو در آینده هموار می‌کند. این عوامل را می‌توان اینگونه بر شمرد:

ارتباط میان عوامل چپ رژیم صهیونیستی با نمایندگان سازمان آزادی‌بخش فلسطین در دهه ۱۹۸۰. در این مورد می‌توان به سلسله نشست‌های "اوری اونری، ژنرال متی پلد، لووا الیاو" و دیگران اشاره نمود.

قطعنامه شورای ملی فلسطینی در دسامبر ۱۹۸۸ بدین قرار بود که "فلسطینی‌ها از انتفاضه در میدان جنگ به مرحله ابتکار سیاسی پیش روند درحالی که طرف مقابل فلسطین در حال بست و گسترش روش‌های خلاقانه و ابتکاری‌اش است."

رویکرد متفاوت دولت آمریکا در دسامبر ۱۹۸۸، سریعاً پس از قطعنامه شورای ملی فلسطین، گفتمان با سازمان آزادی‌بخش فلسطین را باز کرد. طبق گفته‌های پژوهشگر "موشه شمش" پس از انتفاضه اول؛ آمریکایی‌ها انتظار تغییر در موقعیت رژیم صهیونیستی را که گفتمان با سازمان آزادی‌بخش فلسطین را می‌ساخت، داشتند.

همچنین وی ادامه داد که این تغییر یک تغییر استراتژیک در موقعیت ایالات متحده بوده است. می‌توان ملاقات گروهی از یهودیان آمریکایی با یاسر عرفات در استکهلم که از طریق اندرسون، وزیر امور خارجه وقت، صورت گرفت را از مصادیق همین تغییر رویکرد دانست.

به سبب تغییرات رژیم صهیونیستی در انتخابات ۱۹۹۲، اسحاق ربین، اسحاق شمیر را درباره اصول برنامه سیاسی که توافقی را با فلسطین در پی داشت، شکست داد.

یکی از عواملی که رژیم صهیونیستی سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به رسمیت می‌شناسد تغییر تدریجی در ساختار سازمان است: ابتدا تصمیم در محدود نمودن عملیات نظامی در خاک رژیم

صهیونیستی بود و در نهایت اعلامیه مستقل فلسطینی در سال ۱۹۸۸ بر آن شد تا به سبب دیگر منافع سیاسی هرگونه مبارزه مسلحانه‌ای را متوقف کند.

### موضع‌گیری سیاسی نظامی

در داخل کابینه نتانیا هو زمزمه‌های عمل‌گرایانه‌ای شنیده می‌شود که به شکل واضحی در مورد عدم امکان راه‌حل نظامی اشاره شده و این درحالی است که پشتیبانی از بازسازی‌های غیرنظامی حمایت می‌شود. از طرف دیگر در سیستم امنیتی، زمزمه‌هایی مبنی بر عدم نیاز خروج رژیم صهیونیستی از غزه شنیده می‌شود و همچنین مساله عدم بازنگری اشغال غزه توسط حماس نیز تقویت می‌شود.

به طور مثال در جریان جنگ بین ارتش رژیم صهیونیستی با حماس در می ۲۰۱۸، عضو کابینه و وزیر اطلاعات رژیم صهیونیستی این چنین گفت: "ما چیزی را در غزه دنبال نمی‌کنیم و همچنین رژیم صهیونیستی قصد ورود به غزه را ندارد."

برای دولت رژیم صهیونیستی یک سری تابوی سیاست وجود دارد. برای این سیاست‌ها یک حرکت استراتژیکی در مقابل غزه پیشنهاد می‌شود که رژیم صهیونیستی را از مسئولیت‌های غیرنظامی و همچنین هزینه‌های غیرنظامی رها خواهد کرد و فقط به منظور جلوگیری از تهدید نظامی بر مساله غزه متمرکز خواهد شد. وی همچنین ادامه داد "ارتش رژیم صهیونیستی قادر به انجام هرکاری است اما هیچ پیشنهادی به عنوان سیاست رژیم صهیونیستی بر روی میز کار وجود ندارد."

وی در ادامه گفت: "بیاید غزه را رها کنیم. به ما اجازه دهید جهانی را برای آنان همراه با امنیت ایجاد کنیم. من نمی‌خواهم به دو میلیون نفر در غزه که در چنگال حماس قرار دارند بگویم که رژیم صهیونیستی زندان و حصار آن‌ها است."

به دنبال درگیری‌ها بین ارتش و حماس و نیز وقوع یک عملیات شکست خورده در غزه "شتینیز" از اعضای کابینه اعلام نمود که: "دولت ابداً علاقه‌مند به ادامه جنگی بدون هیچ هدف استراتژیکی غیرضروری نیست."

وی همچنین درباره مساله سیاسی و امنیتی غزه اشاره نمود و بر ارزش غزه و سقوط حماس تاکید داشت. از طرف دیگر ژنرال "گرشان کهن" فرمانده سابق دانشگاه افسری که امروز با عنوان یکی از مسئولین ارشد در مرکز "بگین سادات" فعالیت می‌کند در مقاله‌ای که اخیراً در نشریه "ایسریل هیوم" منتشر شده، ادعا می‌کند: "حماس به دنبال عدالت نیست وقتی که می‌داند رژیم صهیونیستی نتوانست او را سرنگون کند و نیز ضرورت رژیم صهیونیستی برای حفظ جدایی که در غزه بدست آمده است یکی از عواملی است که ما را گرفتار کرده است."

### سردرگمی کشورهای جهان نسبت به حماس

از سال ۲۰۰۶ رویکرد کمیته چهارجانبه بین‌المللی (روسیه، امریکا، سازمان ملل و اتحادیه اروپا) با پذیرش سه شرط، حماس را به رسمیت خواهند شناخت: به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی، پذیرش معاهدات سابق و حذف عملیات مسلحانه.

اتحادیه اروپا و اکثر کشورهای غربی، حماس را به عنوان یک سازمان تروریستی می‌شناسند و دیگران را از ارتباط گرفتن با آن منع می‌کنند؛ با این حال روسیه و چین این سازمان را تروریست نخوانده‌اند. سیاست‌های انعطاف‌ناپذیر کمیته بین‌المللی نسبت به حماس که در ژانویه ۲۰۰۶ در انتخابات غزه پیروز شد غیرقابل درک است.

جیمز وستون نماینده این کمیته در خاورمیانه بعد از گذشت کمتر از یک سال از سمتش استعفا داد و در این باره گفت که احساس می‌کرد محدودیت‌های اعمال شده از انجام ماموریتش ممانعت می‌کرد. به خصوص لغو توافق‌نامه گذرگاه‌ها و مصادره درآمدهای مالیاتی فلسطین.

جامعه تحقیقاتی امریکا و اروپا خواستار به رسمیت شناختن حماس هستند. "هنری سیگمن"، پژوهشگر حوزه فلسطین در موسسه تحقیقاتی شورای روابط خارجی آمریکا در سال ۲۰۰۶ درست چند ماه پس از پیروزی حماس در انتخابات، روند رو به سازش حماس را مطرح نمود (به خصوص به دلیل اینکه حماس عدم فعالیت‌های انتحاری را پذیرفت) و نیز رژیم صهیونیستی و امریکا را برای سازش با حماس فراخواند.

وی در ادامه گفت: زمانی که مبارزه می‌کردیم به دنبال ادغام این جنبش در نظام سیاسی فلسطین بودیم. "دانیل بی من"، پژوهشگر برتر در موسسه "پروکینز" در سال ۲۰۱۰ در نشریه وزارت امور خارجه طی مقاله‌ای ادعا کرد که در سال ۲۰۰۶، دیکته و الغای "بوش" بود که شرایط به رسمیت شناختن حماس امروز وجود ندارد.

وی به رژیم صهیونیستی پیشنهاد داد که در مقابل حماس سیاست کامل‌تری بجای شیوه "چوب و هویج" به کار گیرد بلکه او را تشویق به همکاری کند. او ادامه می‌دهد که میانه‌روهای فلسطین ضعیف‌تر و حماس قوی‌تر می‌شود. در حدود یک دهه از مقاله بی‌من گذشته است و این درحالی است که پیش‌بینی‌های او تحقق یافته است.

### خلاصه

باوجود نظرات مختلف در هر دو طرف، عملاً شکاف عمیقی بین دیدگاه سازمان‌های امنیتی با کابینه



### رژیم صهیونیستی مقابل حماس: تصمیمی... ۱۴۳

نتانياهو در مورد حماس وجود دارد. فرماندهان ارشد و روسای سرویس‌های امنیتی به بازسازی اقتصادی و به رسمیت شناختن حماس روی آورده‌اند. بنا بر این در فضای سیاسی زمزمه‌هایی است که برخورد نظامی را تنها راه‌حل می‌دانند و ارتباط‌گیری با حماس را منع نموده‌اند. هرچند این محدودیت‌ها به منظور تسهیل در روند صلح بین رژیم صهیونیستی و فلسطین است. اما عمداً رژیم صهیونیستی را در موقعیت سیاسی دشواری قرار داده تا نسبت به حماس انعطاف بیشتری نشان دهد. رژیم صهیونیستی از یک سو حماس را به رسمیت نمی‌شناسد و از سوی دیگر به بقای آن کمک می‌کند. با این تفاسیر رژیم صهیونیستی از اینکه مجبور شود تصمیماتی را اتخاذ کند تا به بی‌ثباتی مزمز و برگشت چرخه درگیری‌ها در غزه دچار شود، هراس دارد.